

اهمیت بسترهای خطر قلب از دیدگاه حسابرسان مستقل

سعید بذرافشان**

امید پورحیدری*

تاریخ پذیرش: 1390/02/25

تاریخ دریافت: 1390/02/03

چکیده

هدف این تحقیق، رتبه‌بندی بسترهای خطر قلب ذکر شده در بخش 24 استاندارد حسابرسی ایران، با توجه به میزان اهمیت آن‌ها در کشف قلب مدیریت است. در این تحقیق فهرستی از 61 مورد بسترهای خطر قلب تهیه گردید جهت انجام این پژوهش تعداد 460 پرسشنامه بین اعضای جامعه آماری (حسابرسان مستقل) به روش تصادفی توزیع شد که پس از یک هفته 316 پرسشنامه جمع‌آوری گردید. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که نظر حسابرسان نسبت به اهمیت تمامی بسترهای خطر قلب (به جز یک مورد)، در سطح اطمینان 95 درصد دارای تفاوت معنی‌دار است. ضمناً با توجه به نتایج بدست آمده مشخص شد مهم‌ترین بستر خطر قلب، "وابسته بودن بخش عمده‌ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد" است. علاوه بر رتبه‌بندی بسترهای خطر قلب، ارتباط بین "جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه حسابرسان" و "برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر قلب" مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش بیانگر این بود که جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه، هیچ‌کدام بر روی نظر حسابرسان در تعیین میزان اهمیت هر یک از بسترهای خطر قلب، تأثیر معنی‌داری ندارند.

واژه‌های کلیدی: قلب، بسترهای خطر قلب، قلب مدیران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان، نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات.
** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان.

1- مقدمه

سیستم گزارشگری مالی در جلب اعتماد عمومی همواره با بحرآن ها بی مواجه بوده است. افزایش شمار تقلبها و تجدید آرایه صورت های مالی که اغلب با ورشکستگی شرکت های بزرگ در هم آمیخ ته ، نگرانی هایی را درباره صورت های مالی به همراه داشته است . به همین جهت، پیشگیری یا کشف تقلب های با اهمیت در صورت های مالی همواره کانون توجه سرمایه گذاران، مدیران و حسابرسان بوده است (راموس میشل¹، 2003: 28).

در سال های اخیر، حرفه حسابداری به دلیل رسوایی های تقلب مالی مدیران، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است . در همین راستا بیانیه استانداردهای حسابرسی (SAS) شماره 99، حسابرسان را در رابطه با کشف تقلب ملزم به جمع آوری اطلاعات مهم در ارزیابی تقلب کرده است (توماس پاتریک هایس²، 2006: 13). بر اساس بخش 24 استانداردهای حسابرسی ایران، تقلب را می توان به عنوان هرگونه اقدام عمدی یا فریبه کارانه یک یا چند نفر از مدیران ، کارکنان یا اشخاص ثالث برای برخورداری از یک مزیت ناروا یا غیر قانونی تعریف نمود. تقلبی که با دخالت یک یا چند نفر از مدیران واحد مورد رسیدگی روی می دهد تقلب م دیران نامیده می شود (کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی ، 1385: 160). از نظر والاس³ (1995) تقلب متضمن

برنامه های از پیش طراحی شده به منظور فریب دیگران است که می تواند از طریق آرایه اسناد و مدارك ساختگی صورت گیرد.

تقلب از طریق دو راهبرد در مقابل کشف شدن مقاومت می نماید : اول مخفی ماندن؛ تقلب بایستی پایین تر از آستانه اهمیت اتفاق بیافتد تا از اطلاق آن به عنوان اشتباه با اهمیت جلوگیری گردد . تا رسیدن به این حد، امکان کشف تقلب کم می باشد. اگر مبلغ تقلب از آستانه اهمیت بیشتر باشد، ماهیت مقداری تقلب، توجه را جلب می کند و عمل تقلب در مقابل کشف آن آسیب پذیر می گردد . دومین راهبرد به منظور مخفی ماندن، به کار می رود و از کارهایی نظیر فریبه کاری، برای مخفی نگه داشتن ماهیت مقداری تقلب استفاده می شود و این راهبرد تظاهر است؛ راهبرد تظاهر به متقلب قدرت جعل می دهد. به طور مختصر، تقلب از طریق راهبرد کوچک نمایی، از کشف تقلب جلوگیری می کند و از طریق راهبرد جعل و تظاهر ؛ حسابرسان داخلی، حسابرسان مستقل ، کنترل داخلی ، دستگاه های امنیتی و سایر افراد مسئول را فریب می دهد (محمد بایو و آلان رین استین⁴، 2006: 61).

مؤسسات بین المللی حسابداری و حسابرسی ، انجمن های تخصصی و اندیشمندان علمی این رشته در سراسر دنیا ؛ اصول ، روشها و استانداردهای خاصی را در جهت کمک و راهنمایی به حسابرسان منتشر کرده اند. بسترهای خطری که در این استانداردها ذکر شده

1. Ramos Micheal

2. Thomas Patrick Hayes

3. Wallace, W. A.

4. Mohamed E. Bayou & Alan Reinstein

به عنوان رهنمودی برای حسابرسان مستقل و داخلی، در پیشگیری و کشف تقلب و گزارشگری مالی متقلبانه است.

در دهه‌ی اخیر، هزینه‌های تقلب یا تخلف‌های مالی در شرکت‌ها بسیار زیاد شده است به طوری که براساس برآوردهای صورت‌گرفته، خسارت ناشی از تقلب در شرکت‌هایی که این رخداد را تجربه کرده و متحمل زیان شده‌اند، حدود 250 میلیون دلار تخمین زده شده است. البته این فقط بخشی از پیامدهای تقلب و تخلف است و مواردی چون خدشه وارد شدن بر اعتبار شرکت و بازار سرمایه که موجب از بین رفتن اعتماد عموم و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود، مورد توجه قرار نگرفته است (حساس یگانه، داغانی و اسکو، 1389: 88). کمیته سازمان‌های حامی کمیسیون تردوی در گزارشی تحت عنوان تقلب در گزارشگری مالی که در سال 1999 منتشر شد عنوان کرد که 72 درصد از موارد تقلب مورد بررسی توسط مدیر عامل و 42 درصد توسط مدیر مالی صورت گرفته است (صفرزاده، 1389: 158).

موضوع کشف تقلب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بطوری که بی-توجهی به آن ممکن است از یک طرف صدمات جبران ناپذیری به حرفه حسابرسی وارد سازد و از طرف دیگر باعث سلب اعتماد عمومی و متضرر شدن سرمایه‌گذاران گردد و در نهایت در سطح کلان باعث ایجاد بحران اقتصادی در جامعه شود. ضمیمه بخش 24 است اندازدهای حسابرسی ایران، تقریباً 60 بستر خطر تقلب را معرفی کرده است. این بسترهای خطر تقلب می‌تواند حسابرسان را در ارزیابی خطر تقلب یاری کند. هر حسابرسی که در شناسایی بسترهای خطر تقلب دچار مشکل شود، بالطبع در کشف تقلب نیز ناتوان بوده، به احتمال فراوان مقصرش ناخته می‌شود. بدین ترتیب آشنایی و شناخت حسابرسان از بسترهای خطر تقلب، نحوه به کارگیری بسترهای خطر تقلب، میزان استفاده از این بسترهای تقلب در حسابرسی‌ها، و اهمیت هر یک از بسترهای خطر در کشف تقلب همگی از دلایلی است که سبب انجام تحقیقات در سطح بین‌المللی شده است. تاکنون در ایران تحقیقات معدودی در ارتباط با بسترهای خطر تقلب و اهمیت این بسترها در کشف گزارشگری مالی متقلبانه صورت گرفته است.

بنابراین، هدف اصلی این تحقیق بررسی میزان اهمیت هر یک از بسترهای خطر تقلب ذکر شده در بخش 24 استاندارد حسابرسی ایران و رتبه‌بندی آن‌ها می‌باشد.

حسابرسان (اعضای نمونه تحقیق) از لحاظ جنسیت به دو گروه مرد و زن تقسیم می‌شوند، فقدان تفکری واحد در بین آن‌ها درباره اهمیت بسترهای تقلب می‌تواند موضوعی خطرناک باشد؛ چراکه ممکن است به دلیل وجود تفاوتی معنادار در تشخیص میزان اهمیت بسترهای تقلب توسط این دو گروه، در پاسخ به این سؤال که آیا در شرکت تحت حسابرسی تقلب صورت گرفته یا خیر، به دو جواب کاملاً متناقض برسند. اعضای نمونه تحقیق حاضر را می‌توان از جهات مختلفی؛ به عنوان مثال از لحاظ جنسیت (مرد و زن)، رشته تحصیلی (حسابداری، مدیریت و...)، سطح تحصیلات (فوق دیپلم، لیسانس و...) و... گروه بندی نمود. این شیوه گروه بندی در تحقیقات مشابه مانند تحقیق حامدیان و وحیدی الیزی (1388) و گلن مویز⁵

(2007) نیز مشاهده می‌شود. بنابراین، در این تحقیق علاوه بر بررسی میزان اهمیت هر یک از بسترهای خطر قلب، به بررسی تاثیر جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه در تعیین میزان اهمیت یک از بسترهای خطر قلب نیز خواهیم پرداخت.

2- پیشینه تحقیق

شیخ (1383)، به بررسی اهمیت شاخص‌های تقلب بالقوه مالی با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی، در شرکت‌های ایرانی پرداخت. این تحقیق با هدف شناسایی بسترهای خطر از دیدگاه حساب‌رسان مستقل و مدیران مالی و همچنین اولویت بندی آن‌ها نسبت به یکدیگر صورت پذیرفت. اولویت اول هر دو گروه فقدان و یا ضعیف بودن کنترل‌های داخلی می‌باشد، اما در خصوص اولویت دوم، حساب‌رسان مستقل تصمیم‌گیری‌های متمرکز عملیاتی و مالی مدیریت، تحت نفوذ یک فرد را انتخاب نمودند در حالی که اولویت دوم از دیدگاه مدیران مالی وجود معامله‌های مبهم و یا مانده حساب‌های نامشخص که حساب‌رسی آن‌ها مشکل می‌باشد بوده است.

در تحقیقی دیگر سنجابی (1384)، به شناسایی عوامل مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری صورت‌های مالی ایران پرداخت. وی این عوامل را در ساختار محیطی شرکت‌ها شناسایی کرد. در این تحقیق عوامل خطر در 4 گروه: عوامل خطر مرتبط با ویژگی‌ها و نفوذ مدیریت، عوامل خطر مرتبط با عدم تبعیت مدیریت از کنترل‌های داخلی و استانداردهای لازم الاجرا، عوامل خطر مرتبط با شرایط بازار و صنعت و عوامل خطر مرتبط با ویژگی‌های عملیاتی، نقدینگی و ثبات مالی، طبقه‌بندی و مورد استفاده قرار گرفتند. حامدیان و وحیدی الیزی (1388)، در پژوهشی به بررسی تفاوت برداشت حساب‌رسان داخلی و مستقل در خصوص کارایی 36 علامت خطر استاندارد حساب‌رسی شماره 99 جهت کشف گزارشگری مالی متقلبانه پرداختند. نتایج بررسی نشان داد که تفاوت عمده‌ای در برداشت حساب‌رسان داخلی و مستقل وجود ندارد و از دیدگاه آن‌ها، مؤثرترین علامت خطر، " نظارت نا کافی بر کنترل‌های داخلی با اهمیت" می‌باشد.

فرقاندوست و برواری (1388)، در پژوهشی به بررسی کاربرد روش‌های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت‌های مالی (تقلب مدیریت) پرداختند. علاوه بر این فرقاندوست و عبدالمهدی (1387) نیز در تحقیقی به بررسی کاربرد سیستم‌های فازی در ارزیابی ریسک تقلب مدیریت پرداختند. فرقاندوست و عبدالمهدی (1388)، بر اساس نتیجه نهایی تحلیل آماری در مورد توانایی مدل پیشنهادی در پیش‌بینی حضور یک شرکت در گروه متقلب و یا غیر متقلب، درصد پیش‌بینی صحیح توسط مدل نهایی 5/90% محاسبه گردید. ضمناً نتایج نشان داد دو متغیر فروش سال جاری به فروش سال قبل و مجموع کل بدهی‌های سال جاری به مجموع کل بدهی‌های سال قبل که حاصل از صورت‌های مالی می‌باشند، قادر به پیش‌بینی خطر تحریف عمدی در صورت‌های مالی هستند.

برخلاف تحقیقات معدود صورت‌گرفته در حوزه تقلب در داخل کشور، در خارج از کشور تحقیقات زیادی انجام شده است. لوب‌بک و

ویلینگهام⁶ (1988)، فهرستی از علایم خطر تهیه کردند که بر مبنای آن بورس اوراق بهادار نیویورک در جهت تقویت حسابدای و حسابرسی آن را منتشر کرد. نوع تحقیق انجام گرفته مروری و بر اساس مدل تصمیم برآوردی بود. سه عنصر مدل سنجش تدوین شد. اجزای مدل شامل فرصت‌ها، انگیزه‌ها و گرایش‌ها هستند که هر جزء نیز خود شامل مجموعه‌ای از علایم خطر می‌شود. در تحقیقی دیگر لوب بک و همکارانش⁷ (1989)، بر اساس مدل برآوردی و با استفاده از تجزیه و تحلیل آماری، مدل برآوردی سال 1988 خود را اصلاح کرده و توسعه دادند. نتایج و یافته‌های تحقیق آن‌ها حاکی از این بود، زمانی که هر سه جزء فرصت، انگیزه و گرایش مدیریت، در مدل به طور هم - زمان وجود داشته باشد به احتمال بسیار زیاد قلب مدیریت به وقوع می‌پیوندد و هنگامی که یک جزء وجود نداشته باشد احتمال وقوع قلب کم است.

پینکوس⁸ (1989)، در مطالعه‌ای سودمندی علایم خطر را بررسی کرد. شیوه تحقیق او، تجربی و عملی با استفاده از فهرست کنترل بود. تحقیق پینکوس آشکار ساخت که استفاده از فهرست کنترل، اثر عمده - ای بر ارزیابی های ریسک قلب ندارد و تفاوتی در ارزیابی استفاده‌کنندگان و آن‌ها یی که از فهرست کنترل استفاده نمی‌کنند به طور عمده وجود ندارد. رد. زیملمن⁹ (1997)، اثرات احتمالی استاندارد حسابرسی شماره 82، بر برداشت حسابرسان از علایم ریسک قلب و کاربرد این علایم در طرح‌های مورد حسابرسی را مورد آزمون قرار داد. نتایج این تحقیق بیانگر این نکته بود که استاندارد حسابرسی 82، حسابرسان را به پذیرش مسئولیت بیشتر در حین حسابرسی از طریق افزایش دامنه آزمون‌ها دعوت می‌کند. همچنین توجه بیشتر و مؤکد حسابرسان را به شاخص‌ها و علایم ریسک قلب که ممکن است بیانگر قلب در صورت‌های مالی باشد، جلب می‌نمایند. عبدالمجید و همکاران¹⁰ (2001)، در یک تجزیه و تحلیل که در آن برداشت حسابرسان هنگ‌کنگ راجع به اهمیت عوامل علایم خطر دربرآورد ریسک را مورد بررسی قرار دادند فهرستی از 15 علامت خطر تهیه شده توسط کارمیکل¹¹ (1988) را برای تحقیق در نظر گرفتند این تحقیق در دو مرحله اجرا شد. در مرحله نخست از حسابرسان خواسته شد که براساس تجربه کاریش ان اهمیت هریک از 15 عامل خطر را در پرسشنامه مشخص کنند. با توجه به نتایج این پرسشنامه، برداشت پاسخ‌دهندگان به این عوامل به صورت نزولی و براساس اهمیت مرتب شدند. در مرحله دوم، 6 عامل خطر برگزیده مرحله نخست برای مطالعه مدل لنز انتخاب گردید. نتایج مدل لنز نشان داد که "تحریف‌های کشف شده در حسابرسی‌های پیشین" مهم‌ترین عامل ریسک می‌باشد درحالی که نتایج مرحله اول "مشکل در حسابرسی معاملات" را مهم‌ترین عامل ریسک معرفی کرد.

6. Loebbecke & Willingham

7. Lobbecke et al

8. Pincus

9. Zimelman

10. Abdul Majid et al

11. Carmicheal

در تحقیقی مشابه، گراملینگ و مایرز¹² (2003) برداشت حسابرسان داخلی از علایم خطر را با توجه به 43 علامت خطر در سه گروه طبقه بندی کردند: انگیزه و فشار، فرصت و گرایش و توجیه. نتایج تحقیق آن ها که با استفاده از پرسشنامه و طیف لیکرت انجام گرفت، نشان می‌دهد علایم خطری که بیشترین اهمیت را دارند شامل علایم وابسته به گرایش‌ها و توجیه‌ها می‌باشند. در تحقیق مش ابه دیگری که توسط مویزگلن و همکارانش¹³ (2006) صورت گرفت، آن ها از حسابرسان داخلی خواستند که برداشت خود را از کارایی علایم خطر در کشف گزارشگری متقلبانه، با توجه علایم خطر استاندارد شماره 99 بیان کنند. نتایج تحقیق نشان داد که علایم خطر مربوط به گرایش‌ها و توجیه‌ها، در کشف تقلب گزارش‌های مالی، نسبت به علایم خطر فرصت، اثربخش‌تر می‌باشد. علایم خطر فرصت نیز، اثربخش‌تر از علایم خطر فشارها و انگیزه‌ها در کشف تقلب است. مویزگلن¹⁴ (2007)، در تحقیقی دیگر تفاوت در سطح برداشت حسابرسان داخلی و مستقل از کارایی علایم خطر استاندارد شماره 99 را جهت کشف تقلب بررسی کرد. به طور کلی نتایج بیانگر این موضوع است که برداشت حسابرسان مستقل از علایم خطر در کشف تقلب، بیشتر از حسابرسان داخلی است.

واندا لین ریلی¹⁵ (2008)، به بررسی ارتباط های موجود بین حسابرسی تقلب و کشف تقلب پرداخت و عنوان کرد معمولاً در روال عادی حسابرسی، تخلف، سوء استفاده و تقلب‌های شغلی، به میزان بسیار اندکی کشف می‌گردند. اغلب تقلب‌های فاش شده، بر اساس کشف رشوه‌های دریافتی توسط کارکنان و یا شکایات صورت گرفته از کارمندان می‌باشد. دنیس دینکوس¹⁶ (2009)، در پژوهش خود تحت عنوان "حسابرسی برای تقلب"، دلایلی را که باعث می‌شود حسابرسان در کشف تقلب ناتوان گردند، بدین شرح عنوان کرد: عدم اجرای روش‌ها، رویه‌ها و مراحل حسابرسی به‌طور اصولی، فقدان آزمون های اساسی جهت کنترل، اجتناب از بررسی نواحی دارای ریسک بالا؛ به‌خصوص اگر از نظر مبلغ بی‌اهمیت باشند، بودجه بندی زمانی نامناسب و ناکافی، فقدان آموزش کافی جهت شناسایی شاخص‌های تقلب (علایم خطر) به‌وسیله حسابرسان و نبود آموزش‌های مناسب جهت آشنایی حسابرسان با کنترل‌های داخلی با اهمیت و اساسی.

3- فرضیه‌های تحقیق

- 1 جین نظر حسابرسان نسبت به اهمیت بستر خطر تقلب مورد نظر، در کشف تقلب مدیریت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- 2 جین جنسیت حسابرسان و برداشت آن ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب رابطه‌ای معنی دار وجود دارد.
- 3 جین رشته تحصیلی حسابرسان و برداشت آن ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر تقلب رابطه‌ای معنی دار وجود دارد.

12. Gramling & Myers
13. Moyes Glen.D, et al
14. Moyes Glen.D
15. Wanda Lynn Riley
16. Dennis F. Dyncus

- 4 جین سطح تحصیلات حسابرسان و برداشت آن ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر قلب رابطه ای معنی دار وجود دارد.
- 5 جین تجربه کاری حسابرسان و برداشت آن ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر قلب رابطه ای معنی دار وجود دارد.

4- روش تحقیق

4-1- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

تحقیق حاضر، تحقیقی کیفی از نوع کاربردی در حوزه تحقیق های حسابرسی می باشد. در این پژوهش، جهت دستیابی به اهداف، پژوهشگر بر اساس مراحل زیر عمل نموده است:

مرحله اول: ابتدا جهت تبیین موضوعی تحقیق، با استفاده از شیوه کتابانه های به جمع آوری اطلاعات از کتب، مجلات و فصلنامه های علمی و اینترنت مبادرت شد.

مرحله دوم: پرسشنامه ای در دو بخش طراحی گردید، که در بخش اول سئوالات عمومی و در بخش دوم سئوالات تخصصی پرسیده شد. در این پرسشنامه 60 بستر خطر قلب مدیریت که حسابرسان می توانند در کشف قلب مدیریت از آن ها کمک بگیرند، ذکر شده است. این بسترهای خطر در ضمیمه بخش 24 استاندارد حسابرسی ایران آورده شده است.

مرحله سوم: اعتبار (روایی) ابزار اندازه گیری یکی از موضوعات با اهمیت روش تحقیق است. همان طور که در بالا اشاره شد، بسترهای خطر قلب از متون تخصصی استخراج گردیده اند. این بستره ای خطر مجموعاً 60 مورد بودند که متعاقباً طی مرحله ممیزی (آزمون پایلوت) به نظر خواهی متخصصان گذاشته شدند. در نهایت تقریباً 5 مورد از بسترهای خطر تغییر یافته و یک مورد دیگر به آن ها اضافه گردید. یکی دیگر از موضوعات با اهمیت روش تحقیق، قابلیت اطمینان (پایایی) ابزار اندازه گیری است. در این تحقیق برای آزمون ثبات نتایج اندازه گیری از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ضریب پایایی بدست آمده برای پیش آزمون برابر با 0/959 و برای کل پرسشنامه های برگشتی برابر با 0/942 گردید. ضمناً برای محاسبات آماری پرسشنامه از نرم افزار آماری Spss بهره گرفته ایم.

مرحله چهارم: در پی رتبه بندی بسترهای خطر ذکر شده در ضمیمه بخش 24 استاندارد حسابرسی ایران، از پاسخ دهندگان خواسته شد که براساس طیف 7 گزینه ای لیکرت، میزان اهمیت هر یک از بسترهای خطر را در کشف قلب مدیریت مشخص کنند.

در این تحقیق پس از جمع آوری پرسشنامه ها، به منظور تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها از روش های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است. برای آزمون فرضیه های تحقیق از روش های آماری آزمون T و تحلیل واریانس¹⁷ استفاده شده است.

4-2- جامعه آماری، نحوه انتخاب نمونه و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل حسابرسان مستقل است؛ یعنی کلیه افرادی که به عنوان حسابرس در مؤسسات حسابرسی فعالیت می کنند . برای انتخاب نمونه، از روش نمونه گیری تصادفی استفاده شده است. از آنجا که از تعداد افراد جامعه آماری اطلاعات دقیقی وجود ندارد از اینرو در این تحقیق جهت محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که حجم نمونه طبق این فرمول 384 تعیین گردید. در جهت حذف تعدیلات وارده بر واریانس ناشی از انتخاب پیشینه و کمینه طیف لیکرت، تعداد 460 پرسشنامه بین حسابرسان به صورت حضوری توزیع شد که 316 پرسشنامه جمع آوری شد.

5- یافته های پژوهش

5-1- نتایج بررسی اهمیت هر یک از بسترهای خطر تقلب

در این تحقیق ابتدا اهمیت هر یک از بسترهای خطر تقلب بر اساس طیف 7 گزینه ای لیکرت مورد ارزیابی قرار گرفت، سپس آن ها بطور نزولی از بیشترین میانگین به کمترین میانگین، همان طور که در جدول شماره 1 مشاهده می شود

رتبه بندی گردیدند. جهت نتیجه گیری از تجزیه و تحلیل های آماری، فرضیات آماری زیر برای هر یک از بسترهای خطر تقلب به کار گرفته شد:

$$\begin{cases} H_0: \bar{\mu} \leq 4/2 \\ H_1: \bar{\mu} > 4/2 \end{cases}$$

فرضیه H_0 : بین نظر حسابرسان نسبت به اهمیت بستر خطر تقلب مورد نظر، در کشف تقلب مدیریت تفاوت معنی داری وجود ندارد.

فرضیه H_1 : بین نظر حسابرسان نسبت به اهمیت بستر خطر تقلب مورد نظر، در کشف تقلب مدیریت تفاوت معنی داری وجود دارد.

در آزمون T اگر هر دو شرط زیر برقرار باشند، فرضیه H_1 تأیید می شود، در غیر این صورت رد می شود:

1) احتمال آزمون برای بستر تقلب مد نظر، کوچکتر از ضریب خطا باشد

2) میانگین آن بزرگ تر از میانگین فرضیه باشد. در تحقیق حاضر ضریب خطا برابر 5 درصد و بعبارت دیگر سطح اطمینان 95 درصد انتخاب شده است. همچنین با توجه به قالب پرسشنامه که بر اساس طیف 7 گزینه ای لیکرت طراحی گردیده است، میانگین برابر با 4/2 در نظر گرفته می شود.

جدول 1- رتبه بندی بسترهای خطر تقلب بر اساس میانگین

رتبه	میانگین	بستر	t	داری معنی- سطح	H_1
		بسترهای خطر تقلب در واحد اقتصادی			

1	تأیید	0/00	90/71	1/40	6/09	وابسته بودن بخش عمده ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد
2	تأیید	0/00	91/88	1/21	5/92	وجود محدودیت به گونه ای که دسترسی حسابرس را به افراد یا اطلاعات به شکل قابل ملاحظه ای محدود سازد
3	تأیید	0/00	78/14	1/63	5/86	تحمیل محدودیت در دامنه کار حسابرسی توسط مدیریت، مثلاً ممانعت از دسترسی او به اشخاص و اطلاعات
4	تأیید	0/00	76/49	1/60	5/80	حفاظت فیزیکی ضعیف از وجوه نقد، اوراق بهادار، موجودی مواد و کالا یا دارایی های ثابت
5	تأیید	0/00	80/75	1/54	5/74	عدم نظارت کافی مدیریت بر کنترل های داخلی با اهمیت
6	تأیید	0/00	75/36	1/63	5/72	معاملات عمده و غیرعادی که در اواخر سال مالی انجام شده است
7	تأیید	0/00	74/14	1/70	5/69	معاملاتی که طبق مجوز کلی یا خاص مدیران ثبت نشده است
8	تأیید	0/00	86/13	1/25	5/69	اختیارات بیش از اندازه (یا غیرعادی) مدیران
9	تأیید	0/00	75/10	1/65	5/63	معاملات بدون شواهد کافی و معتبر
10	تأیید	0/00	80/19	1/48	5/60	کوتاهی مدیریت در اصلاح به موقع ضعف های با اهمیت شناخته شده در سیستم کنترل داخلی
11	تأیید	0/00	70/63	1/92	5/55	علاقه شدید مدیریت به حفظ یا افزایش سطح قیمت سهام یا روند سودآوری
12	تأیید	0/00	75/28	1/64	5/52	تسلط فرد یا گروهی کوچک بر مدیریت بدون وجود کنترل-هایی مانند نظارت سطوح بالاتر از مدیریت
13	تأیید	0/00	63/77	2/12	5/51	معاملات عمده با اشخاص وابسته که در روال عادی عملیات واحد مورد رسیدگی انجام نشده است
14	تأیید	0/00	74/70	1/54	5/45	سوابق حسابداری کاملاً ناقص یا ناکافی
15	تأیید	0/00	65/28	1/99	5/40	قراردادهای متعدد یا غیرعادی، بدون هدف تجاری مشخص
16	تأیید	0/00	75/82	1/41	5/39	نبود سیستم مناسب صدور مجوز و تصویب معاملات (برای مثال، در خرید)
17	تأیید	0/00	69/55	1/73	5/38	بی میلی مدیریت نسبت به گزارشگری صادقانه به اشخاص ثالث ذیربط، مانند بانکها و اداره های دارایی
18	تأیید	0/00	68/34	1/71	5/38	عدم نگهداری سوابق کافی برای دارایی های آسیب پذیر در برابر سوء استفاده
19	تأیید	0/00	64/21	1/91	5/35	خطر ورشکستگی قریب الوقوع، ضبط اموال در رهن یا توقیف اموال
20	تأیید	0/00	70/84	1/74	5/34	تمایل مدیریت به استفاده از روشها و ابزارهای نامناسب برای به حداقل رساندن سود مشمول مالیات
21	تأیید	0/00	70/65	1/65	5/33	شناسایی موضوعات با اهمیتی که پیشتر توسط مدیریت افشا نشده است
22	تأیید	0/00	74/27	1/51	5/32	بکارگیری مداوم کارکنان ناکارآمد در بخش های حسابداری، فناوری اطلاعات یا حسابرسی داخلی
23	تأیید	0/00	61/58	2/01	5/31	ویژگی های دارایی های ثابت، مانند اندازه کوچک اما دارای بازار فروش، بدون نیاز به مدارک رسمی مالکیت
24	تأیید	0/00	62/33	1/96	5/28	دارایی های با قابلیت تبدیل آسان، مانند اوراق بهادار سریع المعامله، طلا و جواهرات
25	تأیید	0/00	68/56	1/70	5/25	عدم تهیه مستندات مناسب و به موقع برای معاملات (برای مثال، مستندسازی کالاهای برگشتی)
26	تأیید	0/00	62/84	1/99	5/23	معاملات عمده با اشخاص وابسته که حسابرسی نمی شود یا توسط حسابرس دیگری مورد رسیدگی قرار می گیرد
27	تأیید	0/00	64/21	1/90	5/21	رشد سریع یا سودآوری غیرعادی، به ویژه در مقایسه با رقبا
28	تأیید	0/00	64/58	1/90	5/20	تغییرات زیاد مدیران سطوح مختلف
29	تأیید	0/00	61/22	2/21	5/19	وعده های بلندپروازانه یا مبتنی بر پیش بینی های غیرواقعی بینانه مدیریت به اشخاص ثالث
30	تأیید	0/00	60/83	1/98	5/18	تفاوت های عمده بین نتایج واقعی و نتایج مورد انتظار به دست آمده از بررسی های تحلیلی
31	تأیید	0/00	64/43	1/80	5/17	نبود تفکیک مناسب وظایف یا کنترل های مستقل
32	تأیید	0/00	58/42	2/13	5/12	کنترل ناکافی بر پردازش رایان های اطلاعات (مثلاً، اشتباه یا تأخیر زیاد در ثبت اطلاعات در سیستم کامپیوتری)

33	ایجاد محدودیت زمانی غیرمنطقی درباره تکمیل حسابرسی یا صدور گزارش حسابرسی	5/12	2/21	58/97	0/00	تأیید
34	نبود روش‌های مناسب برای گزینش کارکنانی که به دارایی‌های آسیب‌پذیر در برابر سوء استفاده دسترسی دارند	5/05	1/85	61/56	0/00	تأیید
35	مشارکت گسترده مدیران غیرمالي در بکارگیری استانداردهای حسابداری یا تعیین برآوردهای حسابداری	5/05	1/93	62/11	0/00	تأیید
36	ارایه اطلاعات با اکراه یا تاخیر غیرمنطقی	5/04	1/58	68/32	0/00	تأیید
37	علی‌رغم وضعیت مالی ضعیف یا رو به وخامت، مدیریت شخصاً بدهی‌های عمده شرکت را تضمین کرده باشد	4/98	1/91	59/49	0/00	تأیید
38	ویژگی‌های موجودی مواد و کالا، مانند اندازه کوچک، ارزش بالا و تقاضای زیاد	4/93	2/46	51/38	0/00	تأیید
39	مغایرات عمده بین حساب‌های کل و معین	4/92	2/54	51/25	0/00	تأیید
40	بی‌توجهی قابل ملاحظه مدیریت به مراجع قانونی	4/46	1/63	65/39	0/00	تأیید
41	نگهداری یا گردش وجه نقد به میزان قابل توجه	4/83	2/27	53/13	0/00	تأیید
42	وجود اقلام عمده در برخی از حسابها که حسابرسی آن مشکل است	4/82	2/24	54/70	0/00	تأیید
43	مانده حسابها و اسناد دریافتی که مدت زیادی از سررسید آن گذشته است	4/81	2/11	55/00	0/00	تأیید
44	اختلاف نظرهای فراوان با حسابرس فعلی یا قبلی درباره مسائل حسابداری، حسابرسی یا گزارشگری	4/80	1/93	59/32	0/00	تأیید
45	دشواری در تعیین سازمان یا فرد یا افراد کنترل‌کننده واحد مورد رسیدگی	4/80	1/98	57/76	0/00	تأیید
46	وابستگی زیاد و غیرعادی به تسهیلات دریافتی و توانایی اندک در برآوردن الزامات بازپرداخت بدهی‌ها	4/79	2/40	51/20	0/00	تأیید
47	پیامد منفی معاملات عمده در شرف انجام (مانند ترکیب تجاری یا انعقاد قرارداد) در نتیجه عملکرد مالی ضعیف	4/77	2/15	53/44	0/00	تأیید
48	شواهد نشان دهنده ریخت و پاش بیش از حد در سطح زندگی مدیران یا کارکنان	4/76	2/70	50/41	0/00	تأیید
49	الزامات جدیدی که ممکن است ثبات مالی یا سودآوری واحد مورد رسیدگی را خدشه‌دار کند	4/70	2/01	54/26	0/00	تأیید
50	آسیب‌پذیری زیاد و غیرعادی واحد مورد رسیدگی در برابر تغییرات	4/68	2/47	50/21	0/00	تأیید
51	ناتوانی در ایجاد جریان وجه نقد ناشی از عملیات، با وجود گزارش سود و رشد سود	4/62	1/99	55/36	0/00	تأیید
52	ساختار سازمانی بسیار پیچیده، شامل شخصیت‌های حقوقی متعدد یا غیرعادی	4/59	2/22	52/15	0/00	تأیید
53	فشار بر شرکت، باتوجه به وضعیت مالی آن، برای انجام سرمایه‌گذاری مجدد جهت باقی ماندن در بازار رقابت	4/53	2/22	50/28	0/00	تأیید
54	پافشاری غیرمنطقی در بکارگیری استانداردهای حسابداری نامرسوم	4/53	3/38	43/39	0/00	تأیید
55	برنامه‌های بلند پروازانه و دست نیافتنی	4/51	2/00	53/86	0/00	تأیید
56	صنعت روبه افول، همراه با افزایش ورشکستگی‌های تجاری در آن صنعت و کاهش عمده در تقاضای مشتریان	4/43	2/55	46/95	0/00	تأیید
57	عملیات واحدهای فرعی واقع در مناطق غیرمشمول مالیات، که به نظر نمی‌رسد دارای توجیه اقتصادی باشد	4/40	2/32	48/86	0/00	تأیید
58	سرعت تغییرات در صنعت، مانند آسیب‌پذیری بالا در مقابل تغییر سریع فناوری یا ناباب شدن سریع محصول	4/38	2/42	47/53	0/00	تأیید
59	وجود رقابت شدید یا اشباع بازار، همراه با روند نزولی حاشیه سود	4/34	2/45	47/09	0/00	تأیید
60	تعیین اهداف مالی و انتظارات بلندپروازانه برای کارکنان اجرایی	4/33	1/70	56/60	0/00	تأیید
61	نبود مرخصی‌های اجباری برای کارکنان مسئول کنترل‌های کلیدی	3/91	2/86	39/22	0/00	رد

همان طور که در جدول شماره 1 مشاهده می‌شود، به جز خطری که رتبه 61 ام را دارد، میانگین‌های محاسبه شده برای سایر بسترهای خطر تقلب از عدد 4/2 بیشتر می‌باشد. ضمناً نتایج حاصل از آزمون آماری T نشان می‌دهد که برای تمامی بسترهای خطر تقلب، ضریب خطای بدست آمده کوچکتر از 5 درصد می‌باشد. به عبارت دیگر فرضیه H₁ برای تمامی بسترهای خطر تقلب، به جز خطری که رتبه 61 ام را داراست، تأیید می‌شود، یعنی بین نظر حسابرسان نسبت به اهمیت تقریباً تمامی بسترهای خطر تقلب، در کشف تقلب مدیریت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

این نتیجه با یافته‌های تحقیقات قبلی مانند حامدیان و وحیدی الیزی (1388)، آپوستولو و هاسل¹⁸ (1993)، چرچ و همکارانش¹⁹ (2001)، گراملینگ و مایرز²⁰ (2003) و مویز گلن²¹ (2006، 2007) هماهنگ است. اگر طیف 7 گزینه‌ای لیکرت، مطابق آنچه در جدول شماره 2 مشاهده می‌شود، به سه قسمت مساوی تقسیم گردد می‌توان نتیجه گرفت بسترهای خطری که میانگین آن‌ها بین 1 تا 3 می‌باشد بسترهایی کم-اهمیت، بسترهایی که میانگین آن‌ها بین 3 تا 5 می‌باشد، بسترهایی با اهمیت و بسترهایی که میانگین آن‌ها بین 5 تا 7 می‌باشد بسترهایی بسیار با اهمیت برای ارتکاب تقلب توسط مدیریت هستند. طبق جدول شماره 2 از 61 بستر تقلب، 36 بستر تقلب ابتدایی بسیار با اهمیت (مانند: وابسته بودن بخش عمده ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد، وجود محدودیت به گونه ای که دسترسی حسابرس را به افراد یا اطلاعات به شکل قابل ملاحظه ای محدود سازد، تحمیل محدودیت در دامنه کار حسابرسی توسط مدیریت، مثلاً ممانعت از دسترسی او به اشخاص و اطلاعات و. . .) و 25 بستر تقلب بعدی با اهمیت هستند (مانند: علی-رغم وضعیت مالی ضعیف یا رو به وخامت، مدیریت شخصاً بدهی های عمده شرکت را تضمین کرده باشد، ویژگی‌های موجودی مواد و کالا، مانند اندازه کوچک، ارزش بالا و تقاضای زیاد، مغایرات عمده بین حساب‌های کل و معین و. . .)، اما هیچ بستر قلبی که کم اهمیت باشد وجود ندارد.

جدول 2- طبقه‌بندی بسترهای خطر بر اساس میزان اهمیت آن‌ها

بسترهای خطر	میزان اهمیت	بازه میانگین
-	کم اهمیت	بین 1 تا 3
رتبه 37 تا 61	با اهمیت	بین 3 تا 5

18. Apostolou & Hassell

19. Church et al.

20. Gramling & Myers

21. Moyes Glen.D

در جدول شماره 3 داده های این تحقیق را به صورتی مفصل تر می توان مشاهده کرد. در این جدول بسترهای خطر قلب به همان ترتیبی که در جدول شماره 1 آمده مرتب شده اند (بر اساس میانگین)، با این تفاوت که به نوشتن رتبه های آن ها اکتفا شده است. بعنوان نمونه بستر خطری که رتبه اول را دارا " و ابسته بودن بخش عمده ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد" است که بیشتر پاسخ دهندگان (52 درصد) در پرسشنامه، گزینه 7 از طیف لیکرت را انتخاب نموده اند.

5-2- سایر یافته های تحقیق

در این تحقیق، علاوه بر رتبه بندی بسترهای خطر قلب، به بررسی تاثیر جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه در تعیین میزان اهمیت هر یک از بسترهای خطر قلب نیز پرداخته شده است. حسابرسان از لحاظ جنسیت به دو گروه مرد و زن تقسیم می شوند. میانگین پاسخ ها برای مردها و زنها به ترتیب 5.10 و 5.21 می باشد. تمایل زن ها به جزئیات و اینکه زن ها اصولاً طبیعت محتاطتری دارند می تواند دلیلی جهت توجیه بالاتر بودن میانگین پاسخ آن ها در تعیین اهمیت بسترهای خطر قلب در مقایسه با مردها باشد. اما همان طور که در جدول شماره 4 مشاهده می شود، به دلیل اینکه $p\text{-value}$ برابر با 0.24 می باشد، این ادعا که بین جنسیت حسابرسان و برداشت آن ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر قلب رابطه وجود دارد، رد می شود.

جدول 3- درصد پاسخ ها به هر یک از 7 گزینه طیف لیکرت برای بسترهای خطر قلب

بسترهای خطر (رتبه)	درصد پاسخ ها به هر یک از 7 گزینه طیف لیکرت							بسترهای خطر (رتبه)	درصد پاسخ ها به هر یک از 7 گزینه طیف لیکرت						
	1	2	3	4	5	6	7		1	2	3	4	5	6	7
1	0%	1%	3%	7%	16%	21%	52%	32	0%	1%	3%	7%	16%	21%	52%
2	1%	0%	1%	10%	14%	35%	33%	33	1%	0%	1%	10%	14%	35%	33%
3	1%	1%	4%	5%	20%	20%	37%	34	1%	1%	4%	5%	20%	20%	37%
4	0%	1%	4%	7%	18%	27%	33%	35	0%	1%	4%	7%	18%	27%	33%
5	1%	2%	2%	11%	16%	35%	31%	36	1%	2%	2%	11%	16%	35%	31%
6	1%	1%	4%	9%	16%	32%	29%	37	1%	1%	4%	9%	16%	32%	29%
7	1%	0%	5%	13%	13%	32%	30%	38	1%	0%	5%	13%	13%	32%	30%
8	0%	1%	2%	12%	22%	30%	26%	39	0%	1%	2%	12%	22%	30%	26%
9	1%	1%	5%	8%	30%	21%	28%	40	1%	1%	5%	8%	30%	21%	28%
10	0%	2%	3%	13%	22%	32%	26%	41	0%	2%	3%	13%	22%	32%	26%
11	1%	1%	6%	14%	16%	32%	30%	42	1%	1%	6%	14%	16%	32%	30%
12	1%	1%	5%	15%	21%	29%	26%	43	1%	1%	5%	15%	21%	29%	26%
13	1%	6%	5%	4%	20%	33%	24%	44	1%	6%	5%	4%	20%	33%	24%
14	1%	1%	4%	16%	22%	28%	22%	45	1%	1%	4%	16%	22%	28%	22%
15	1%	3%	9%	11%	17%	31%	23%	46	1%	3%	9%	11%	17%	31%	23%
16	0%	1%	5%	13%	25%	29%	17%	47	0%	1%	5%	13%	25%	29%	17%
17	1%	2%	5%	16%	16%	35%	18%	48	1%	2%	5%	16%	16%	35%	18%
18	1%	1%	8%	9%	23%	30%	18%	49	1%	1%	8%	9%	23%	30%	18%
19	1%	1%	5%	16%	21%	22%	22%	50	1%	1%	5%	16%	21%	22%	22%

8%	18%	26%	18%	16%	5%	1%	51	22%	25%	29%	15%	6%	1%	1%	20
8%	20%	23%	18%	15%	6%	2%	52	16%	30%	26%	12%	6%	1%	1%	21
6%	18%	25%	19%	13%	3%	5%	53	16%	29%	27%	15%	5%	1%	1%	22
17%	15%	25%	15%	13%	5%	10%	54	20%	22%	25%	9%	9%	1%	2%	23
7%	14%	30%	19%	15%	5%	3%	55	21%	21%	23%	9%	12%	2%	0%	24
9%	12%	30%	19%	9%	7%	6%	56	20%	21%	25%	17%	8%	1%	0%	25
5%	24%	16%	18%	18%	9%	2%	57	20%	23%	23%	16%	5%	5%	1%	26
7%	15%	25%	21%	11%	8%	5%	58	17%	28%	21%	16%	7%	3%	1%	27
6%	16%	24%	25%	8%	8%	6%	59	16%	28%	25%	12%	8%	4%	1%	28
2%	14%	32%	22%	15%	6%	3%	60	17%	33%	24%	11%	7%	5%	3%	29
4%	16%	17%	15%	19%	11%	9%	61	16%	25%	21%	14%	8%	5%	0%	30
								14%	27%	26%	12%	6%	5%	0%	31

* منبع: یافته های پژوهشگر

از دیدگاهی دیگر می‌توان حساب‌رسان را از منظر رشته تحصیلی گروه بندی کرد. در این حالت 4 طبقه بندی (حسابداری، مدیریت، اقتصاد و سایر رشته‌ها) از نمونه مورد نظر صورت گرفت که تمامی افراد نمونه در 3 گروه حسابداری، مدیریت و اقتصاد قرار گرفتند. میانگین پاسخ‌ها در تعیین اهمیت بسترهای قلب، برای 3 گروه حسابداری، مدیریت و اقتصاد به ترتیب 5.12، 5.21 و 5.42 می‌باشد. علی‌رغم وجود تفاوت در میانگین‌ها، طبق آزمون‌های آماری این ادعا که بین رشته تحصیلی حساب‌رسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر قلب رابطه وجود دارد، به دلیل اینکه $p\text{-value}$ برابر با 0.73 می‌باشد، رد می‌شود.

در جامعه این انتظار وجود دارد که افراد عقاید و نظرات گذشته خود را در زمینه‌های گوناگون با افزایش سطح تحصیلات و کسب علم بیشتر، مورد تعدیل و تغییر قرار دهند. در ارتباط با پژوهش حاضر، تصمیم گرفته شد این ادعا که بین سطح تحصیلات حساب‌رسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر قلب رابطه وجود دارد، مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور نمونه تحقیق به 4 گروه تقسیم گردید: فوق دیپلم و پایین‌تر، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری. در نمونه تحقیق هیچ فردی در گروه فوق دیپلم و پایین‌تر قرار نگرفت. علی‌رغم اینکه بین میانگین‌های این گروه‌ها تفاوت وجود دارد، اما به دلیل اینکه $p\text{-value}$ برابر با 0.63 می‌باشد، ادعای فوق رد می‌شود.

انتظار می‌رود یک حساب‌رسان مبتدی و کم‌تجربه به دلیل نداشتن آگاهی و تجربه کافی از فعالیت‌های حساب‌رسانی، نسبت به یک حساب‌رسان خبره دیدگاهی متفاوت در موضوعات مرتبط با حساب‌رسانی داشته باشند. در فرضیه آخر قصد این است که به این سؤال پاسخ داده شود که آیا بین تجربه کاری حساب‌رسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر قلب رابطه وجود دارد؟ جهت پاسخ به این سؤال، گروه نمونه به 6 طبقه تقسیم گردید: کمتر از 5 سال، بین 10 تا 15 سال، بین 15 تا 20 سال، بین 20 تا 25 سال و بیشتر از 25 سال. همانند نتایج فرضیات قبلی علی‌رغم وجود تفاوت در میانگین‌ها این 6 گروه، تفاوت معنی‌داری بین تجربه کاری حساب‌رسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر قلب وجود ندارد.

جدول 4- اطلاعات مربوط به سایر یافته‌های تحقیق

نتیجه	سطح معنی‌داری	F	انحراف معیار	میانگی ن	تعداد	گروه‌بندی	فرضیه‌های تحقیق
رد	0.24	1.39	0.7	5.1	229	مرد	بین جنسیت حساب‌رسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر قلب رابطه وجود دارد
			0.69	5.21	87	زن	
رد	0.73	0.31	0.71	5.12	294	حسابداری	بین رشته تحصیلی حساب‌رسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر قلب رابطه وجود دارد
			0.6	5.21	20	مدیریت	
			0.1	5.42	2	اقتصاد	
			-	-	0	سایر رشته‌ها	
رد	0.63	0.47	-	-	0	فوق‌دیپلم و پایین‌تر	بین سطح تحصیلات حساب‌رسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر قلب رابطه وجود دارد
			0.74	5.15	223	لیسانس	
			0.59	5.07	91	فوق لیسانس	
			0.88	5.18	2	دکتری	
رد	0.99	0.09	0.61	5.15	110	کمتر از 5 سال	بین تجربه کاری حساب‌رسان و برداشت آن‌ها نسبت به اهمیت بسترهای خطر قلب رابطه وجود دارد
			0.87	5.12	86	بین 5 تا 10 سال	
			0.73	5.09	22	بین 10 تا 15 سال	
			0.61	5.16	40	بین 15 تا 20 سال	
			0.66	5.12	36	بین 20 تا 25 سال	
			0.6	5.07	22	بیشتر از 25 سال	

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

بطور خلاصه می‌توان گفت، هیچ یک از فرضیه‌های تحقیق در سطح اطمینان 95 درصد تأیید نشد. بعبارت دیگر نه جنسیت، نه رشته تحصیلی، نه سطح تحصیلات و نه تجربه، هیچ کدام بر روی نظر حساب‌رسان در تعیین میزان اهمیت هیچ یک از بسترهای خطر قلب، تأثیر چندانی ندارند. این نتایج با نتایج تحقیق حامدیان و وحیدی الیزی (1388) و گلن مویز⁶ (2007) هماهنگی کامل دارد.

6- بحث و نتیجه‌گیری

حساب‌رسان هنگام ارزیابی میزان اهمیت و مربوط بودن بسترهای خطر قلب و همچنین، تعیین برخورد مناسب حساب‌رسانی با آن، از قضاوت حرفه‌ای استفاده می‌کنند (کمیت‌تدوین استانداردهای حساب‌رسانی، 1385). در این تحقیق، ابتدا بسترهای خطر قلب ذکر شده در بخش 24 استاندارد حساب‌رسانی ایران در 61 مورد، فهرست گردید و سپس از حساب‌رسان خواسته شد اهمیت هر یک از این بسترهای خطر قلب را تعیین کنند. به عبارت دیگر، هدف این تحقیق رتبه‌بندی هر یک از بسترهای خطر قلب با توجه به میانگین آن‌ها است، که

نتایج این تحقیق می‌تواند حساب‌رسان را هنگام ارزیابی میزان اهمیت و مربوط بودن بسترهای خطر قلب کمک نموده و راهنمای مناسبی را در کشف قلب مدیریت در اختیار آن‌ها بگذارد. در رتبه بندی بسترهای خطر قلب مهم ترین بستر خطر قلب ، "وابسته بودن بخش عمده‌ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد" تعیین گردید که میانگین پاسخ به آن برابر 6.09 شد. ضمناً با توجه به 2 شرطی که برای پذیرفتن فرضیه (بین نظر حساب‌رسان نسبت به اهمیت بستر خطر قلب مورد نظر، در کشف قلب مدیریت تفاوت معنی‌داری وجود دارد) تعیین گردید، نتایج نشان می‌دهد که نظر حساب‌رسان نسبت به اهمیت تمامی بسترهای خطر قلب در سطح اطمینان 95 درصد (به جز" نبود مرخصی‌های اجباری برای کارکنان مسئول کنترل های کلیدی") دارای تفاوت معنی دار است. در تحقیقات قبلی نیز مانند تحقیق مانند حامدیان و وحیدی الیزی (1388) ، آپوستولو و هاسل (1993) ، چرچ و همکارانش (2001) ، گراملینگ و مایرز (2003) و مویز گلن (2006، 2007) نتایج مشابهی بدست آمد.

علاوه بر رتبه بندی بسترهای خطر قلب، به بررسی تاثیر جنسیت ، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه در تعیین میزان اهمیت هر یک از بسترهای خطر قلب نیز پرداخته شد. نتایج این تحقیق همانند تحقیقات مشابه، بیانگر این بود که جنسیت، رشته تحصیلی ، سطح تحصیلات و تجربه ، هیچ‌کدام بر روی نظر حساب‌رسان در تعیین میزان اهمیت هر یک از بسترهای خطر قلب ، تاثیر چندانی ندارند. این نتایج با نتایج تحقیق حامدیان و وحیدی الیزی (1388) و مویز گلن (2007) هماهنگی کامل دارد.

بطور کلی می‌توان انتظار داشت گروه‌های زیر از نتایج این تحقیق استفاده نمایند:

- 1 کمیته تدوین کننده استانداردهای حسابرسی : در امر تدوین استانداردها
- 2 حساب‌رسان: در ارزیابی خطر قلب مدیریت
- 3 + استفاده‌کنندگان از صورت های مالی: افزایش اطمینان و اعتماد به کار حساب‌رسان مخصوصاً در کشف قلب

7- پیشنهادهایی برای انجام تحقیقات آتی

- 1 میزان استفاده حساب‌رسان از بسترهای خطر قلب در برنامه ریزی حسابرسی.
- 2 نحوه پیشگیری و کنترل قلب با استفاده از بسترهای خطر قلب توسط حساب‌رسان داخلی.
- 3 تهیه چک لیست کشف قلب با استفاده از بسترهای خطر قلب و بررسی سودمندی آن.

منابع

- سنجابی، آرش، (1384)، "شناسایی عوامل مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری صورت های مالی"، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری ، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.##
- شیخ، محمدجواد، (1383)، "بررسی اهمیت شاخصهای تقلب بالقوه مالی با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی در شرکت های ایران"، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.##
- حامدیان، حامد و ابراهیم وحیدی الیزی، (1388)، "برداشت حسابرسان ایران از کارایی علایم خطر در کشف گزارشگری مالی متقلبانه"، مجله تحقیقات حسابداری، شماره سوم، پاییز، 162-197.##
- حساس یگانه، یحیی؛ داغانی، رضا و وحیداسکو، (1389)، "مدیریت ریسک تقلب"، مجله حسابدار رسمی، شماره 20، 95-86.##
- صفرزاده، محمدحسین (1389)، "توانایی نسبت های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی: تحلیل لاجیت"، مجله دانش حسابداری، سال اول، شماره اول، 137-162.##
- فرقاندوست حقیقی، کامبیز و فرید برواری، (1388)، "بررسی کاربرد روش های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت های مالی (تقلب مدیریت)"، مجله دانش و پژوهش حسابداری، شماره 16، 18-23 و 65-70.##
- فرقاندوست حقیقی، کامبیز و عبدالهی، مجید، (1387)، "کاربرد سیستم فازی در کشف تقلب"، دومین کنگره سیستم های فازی و هوشمند، دانشگاه صنعتی مالک اشتر.##
- کمپته تدوین استانداردهای حسابرسی (1385)، "استانداردهای حسابرسی"، چاپ هشتم، تهران، سازمان حسابرسی، 156-180.##
- Abdul Majid, G.F.A., Tsui, J.S.L., (2001), "An Analysis of Hong Kong Auditors Perceptions of The Importance of Selected Red Flag Factors In Risk Assessment", Journal of Business Ethics, Vol. 32, 263-274.##
- Apostolou, B. and Hassel, J.M., (1993), "An Empirical Examination of The Senility of The Analytic Hierarchy Process To Departures From Recommended Consistency Ratios". Mathematical and Computer Modeling, 17(4/5), 163-170.##
- Church, B.K., J.J. Mc Millan, And A. Schneider, (2001), "Detection of Fraudulent Financial Reporting". Journal of Accountancy, (September). Vol.192, No.3, 99.##
- Dennis F. Dyncus, (2009), "Auditing For Fraud or What Does Fraud Look Like": Middle Management Conference Nashville, TN, 34-53.##
- Gramling, A.A., Mayers, P.M, (2003), "Internal Auditors Assessment of Fraud Warning Signs: Implications For External Auditors", The CPA Journal, Vol.6, No.73, 20-32.##
- Loebbecke, J.K., M.M. Eining, and J.J. Willingham, (1989), "Auditors' Experience with Material Irregularities: Frequency, Nature, And Detectability". Auditing: A Journal of Practice and Theory 8 (Fall), 1-28.##
- Loebbecke, J.K. and J.J Willingham, (1988), "Review of SEC and Auditing Enforcement Releases", Unpublished Working Paper.vol.23, 55-67.##
- Mohamed E. Bayou & Alan Reinstein, (2001), "A Systemic View of Fraud Explaining Its Strategies, Anatomy and Process". Critical Perspectives on Accounting Volume 12, Issue 4, August, 61.##
- Moyes Glen, D., Et Al, (2006), "Internal Auditors Perceptions of The Effectiveness of Red Flags To Detect Fraudulent Financial Reporting", Journal of Accounting, Ethics & Public Policy

Volume 6, No.1,102-113.##

Moyes Glen.D, (2007), " The Differences In Perceived Level of Fraud-Detecting Effectiveness of SAS No.99 Red Flags Between External And Internal Auditors", Journal of Business & Economics Research, Vol. 5, No.6, 9-26.##

Pincus, K.Y, (1989), "The Efficacy of a Red Flags Questionnaire for Assessing the Possibility of Fraud", Accounting, Organizations, and Society. Vol.14: 153-163.##

Ramos Micheal, (2003),"Auditors Responsibility for Fraud Detection", Journal of Accountancy, 195, 1:ABI/INFORM Global, 28-36.##

Thomas Patrick Hayes, (2006), "An Examination of The Factors That Influence an Auditor's Decision to Use a Decision Aid in Their Assessment of Management Fraud". Dissertation Prepared For The Degree of Doctor of Philosophy, University of North Texas, 13.##

Wallace, W. A., (1995), "Auditing South-Western College". Publishing Cincinnati. OH, 8.##

Wanda Lynn Riley, (2008),"Fraud: What's It All About? Audit and Advisory Services", Ethics and Fraud in the Workplace, 13-19.##

Zimelman, M.F, (1997), "The Effects of SAS No. 82 on Auditors' Attention to Fraud Risk Factors and Audit Planning Decisions". Journal of Accounting Research 35 (Supplement),75-97.##





پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پرتال جامع علوم انساني